



■ به ظرفیت‌های همکاری ایران و روسیه اشاره کردید. برخی منتقدان معتقدند این همکاری‌ها بیشتر در حوزه نظامی است که خود را در رزمایش‌های مشترک و قراردادهای نظامی نشان می‌دهد و از آنجایی که اقتصاد ایران و روسیه مکمل هم نیستند و شاید در بعضی جاها هم رقیب همدیگر باشند نتواند در حوزه‌های اقتصادی خود را نشان دهند.

من با این حرف موافق نیستم. این حرف نگاه کلی بدون توجه به جزئیات است. وقتی شما به جزئیات صادرات و واردات دو کشور نگاه می‌کنید نشان می‌دهد که موارد متعددی برای همکاری بین دو طرف وجود دارد. یکی از ساده‌ترین نمونه‌های آن است که روس‌ها یک اقتصاد بزرگ دارند که که میزان قابل توجهی از نیازهای خود را هم در آن اقتصاد وارد می‌کنند. بخشی از این کالاهایی که روس‌ها وارد می‌کنند ما توان تولید داخلی آن را داریم و می‌توانیم یک تأمین کننده مطمئن و با کیفیت باشیم. غیر از واردات و صادرات کالا، زمینه‌هایی بخصوص در زمینه فناوری پیشرفته وجود دارد که پتانسیل همکاری دو طرف در آن پررنگ است. اینها بخصوص در مسائل مربوط به اقتصاد آینده می‌تواند مهم باشد. این موضوعات وقتی در کنار هم قرار بگیرند زمینه‌های همکاری را فراهم می‌کند و چشم‌انداز مثبتی برای همکاری‌های آتی نشان دهند. دو نکته نباید با هم قاطی شوند. ما یک حداقلی از نیاز به همکاری را داریم و یک زمینه‌ها و چشم‌اندازی برای همکاری حداکثری داریم. متأسفانه مشکل ما این است که در آن حداقل‌ها کار مفیدی انجام نداده‌ایم و بعضی وقت‌ها پتانسیل آن را تبدیل به بالفعل نکرده‌ایم. یعنی نیازمندی‌های لجستیکی و زیرساختی را فراهم نکرده‌ایم. در صورت اتفاق این مهم ما می‌توانیم از این صحبت کنیم که همکاری‌ها چقدر گسترش پیدا خواهند کرد. البته حتی همکاری‌های نظامی و امنیتی هم بخش مهمی از همکاری‌های همه جانبه کشورها است که نمی‌شود اهمیت آن را نادیده گرفت. در چند موضوع که روس‌ها به ما پیشنهاد دادند اگر می‌توانستیم از آن استفاده کنیم این قابلیت وجود داشت که بخش زیادی از تولیدات ما به روسیه صادر شود که به شکوفایی عجیبی می‌رسیدیم. اما متأسفانه اتفاق نیفتاده و اگر دولت سیزدهم تلاش کند می‌تواند چنین مهمی را تحقق بخشد.

■ مصداقچه پیشنهاداتی داده بودند؟

تأمین بسیاری از نیازمندی‌های روس‌ها در حوزه محصولات مصرفی و همین‌طور خطوط ترانزیتی که متأسفانه آنگونه که باید پیگیری نشد. به اضافه اینکه بحث مبادله کالا که از سال‌های قبل مطرح بوده و هرگاه به دلیلی انجام نشده است. این ظرفیت‌های ارتباط با روسیه و بسیاری از کشورهای شرقی مورد غفلت بوده است. ■ ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.



زمانی سفر آقای رئیسی به روسیه انجام می‌شود و بناسبت توافق‌های مهمی در این سفر اتفاق بیفتد که دقیقاً در همین زمان داریم مذاکرات هسته‌ای را پیش می‌بریم و صحبت‌هایی هم در مورد امید و رسیدن به توافق وجود دارد. در زمانی که مناسبات ما با کشورهای غربی هم وضعیت بهتری پیدا می‌کند در همان زمان ما داریم سیاست نگاه به شرق را پیگیری می‌کنیم. این نشان می‌دهد که سیاست نگاه به شرق یک سیاست اصولی و نه یک سیاست تاکتیکی است

روابط منطقه‌ای ما را گسترش داده است. با توجه به اراده دولت سیزدهم در این زمینه، امیدواریم همکاری‌ها خیلی بیشتر از اینی که هست گسترش پیدا کند. این هم محیطی برای همکاری مشترک ایران و روسیه فراهم می‌کند که مورد علاقه روس‌ها هم قرار گرفته است. جدای از همکاری‌های دوجانبه همکاری‌های منطقه‌ای در چهارچوب سازمانهای همکاری را هم گسترش دهد.

■ پذیرش عضویت ایران در شانگهای همزمان با روی کار آمدن دولت جدید شده است. تغییر دولت چقدر در این مهم تأثیر گذار بوده است؟

برای عضویت در سازمان‌های همکاری چون شانگهای، رایزنی‌ها و مسائل متعددی مورد نظر است. تلاش‌های قبلی آن هم از سال‌ها قبل در طی چند دولت برای عضویت در شانگهای اتفاق افتاده بود، اینها در کنار هم قرار گرفتند تا به نتیجه برسند. به اضافه اینکه تصویر مثبتی که از دولت جدید و تلاش آن برای حضور در سازمان وجود داشت سبب شد که تغییر و حذف موانع را داشته باشیم. یعنی طبق روندی که تلاش‌های قبلی طی می‌کردند چنین نتیجه‌ای پیش‌بینی می‌شد. اما سرعت گرفتن آن در دولت جدید و اینکه در اولین جلسه این مشکل حل شود هم محصول تغییر نگاه و هم استراتژی درست دولت جدید در خصوص این سازمان است.

حل مشکلات داشته‌اند. البته آنها هم منافعی را برای خود تصور می‌کردند اما همین آمادگی برای همراهی بسیار مهم بوده است. واقعیت هم این است که تا حدی هم این حرف درست بوده که عدم توسعه روابط باعث عدم توسعه زیرساخت‌ها و عدم وجود اراده در طرف ایرانی بوده است.

■ براساس سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه جایگاه ایران در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای روسیه کجاست؟ روس‌ها به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای به ایران چگونه نگاه می‌کنند؟

در موضوعات مختلف در زمان‌های متفاوت پاسخ به این سؤال فرق دارد. یعنی وقتی بحران گسترده در سوریه و همکاری ایران و روسیه را شاهد هستیم پاسخ شما یک چیز است و وقتی این وضعیت را نداریم به گونه دیگری است. اما یک واقعیت این است که روس‌ها به این درک راهبردی رسیده‌اند که برای کنش در خاورمیانه ایران یک کشور مهم است و بدون توجه به ایران و داشتن ارتباط با آن شانس زیادی برای کنش در خاورمیانه ندارند. دلیلش هم این است که کشورهای دیگری که در خاورمیانه فعال هستند عموماً تحت سلطه و وابسته به ایالات متحده هستند و از همین جهت تمایلی به کنش و رابطه مستقل با روسیه ندارند. از این جهت روس‌ها چاره‌ای جز در نظر گرفتن ایران ندارند. این را باید اضافه کنم که در منطقه ما چند کشور هستند که به دنبال تبدیل شدن به قدرت مسلط منطقه‌ای هستند و در بین اینها شانس جمهوری اسلامی از همه بیشتر است و توانمندی بالفعل و بالقوه آن از همه بیشتر است. از این جهت هم روس‌ها بخوبی می‌دانند که باید در این منطقه با ایران کار کنند.

■ در مورد همکاری ایران و روسیه در سازمان‌های مشترکی همچون شانگهای هم برای ما بگویید. گفته می‌شود که اگر چراغ سبز روسیه نبود عضویت ایران در شانگهای به تأیید اعضا نمی‌رسید. چگونه این همکاری در حوزه شانگهای می‌تواند منافع ایران را تأمین کند؟

البته این را بگویم که فقط چراغ سبز نبوده بلکه حمایت هم همراه آن بوده است. یعنی پیگیری روس‌ها باعث شد که موانع عضویت ما در شانگهای حذف شود و مخالفان هم نظر خود را تغییر بدهند. همکاری در سازمان‌های منطقه‌ای یکی از ابعاد سیاست‌های خارجی روسیه در معنی کلان آن است. روس‌ها جدای از روابط دوجانبه‌ای که برای آن تلاش می‌کنند، علاقه دارند که در چهارچوب سازمان‌های منطقه‌ای، همکاری‌هایی را با کشورهای مورد نظر تعریف کنند. جمهوری اسلامی ایران هم علاقه زیادی به همکاری در سازمانهای منطقه‌ای از خود نشان داده و پتانسیل و توانمندی‌های خیلی خوبی هم برای این کار دارد. همین همکاری در چهارچوب شانگهای و یا اتحادیه اوراسیا را می‌بینیم که حجم

